

تسهیل کنندگان امر طاغوت در اندیشه قرآنی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مَدَّ ظِلُّهُ الْعَالِي)

زمینه‌های انحراف جوامع را فراهم می‌آورند. مقاله حاضر با رویکرد تحلیل تفسیری، به تبیین جایگاه و عملکرد این گروه‌ها در ساختار سلطه طاغوت می‌پردازد. بر پایه‌ی یافته‌های پژوهش، نقش‌آفرینی گروه‌های واسطه‌ای مانند اوباش مزدور، عوام فریب‌خورده، نخبگان منفعل و رسانه‌های وابسته نیز در استمرار وضعیت ظالمانه و سرکوب جریان‌های عدالت‌خواه، نقشی محوری دارد. این تحلیل نشان می‌دهد که از دیدگاه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مَدَّ ظِلُّهُ الْعَالِي)، شناخت شبکه‌ی هم‌افزای عوامل طاغوت برای مبارزه مؤثر با ظلم و تحقق عدالت اجتماعی در عصر حاضر ضروری است.

واژگان کلیدی: قرآن، آیت‌الله خامنه‌ای، طاغوت، ملأ، مترفین، احبار و رهبان.

سعیده تلان^۱، الهه هادیان‌رسنانی^۲،

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

چکیده:

این پژوهش به بررسی نقش تسهیل‌کنندگان امر طاغوت در اندیشه قرآنی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مَدَّ ظِلُّهُ الْعَالِي) می‌پردازد. از منظر ایشان، مبارزه با طاغوت یکی از ارکان اساسی توحید و زمینه‌ساز تحقق عدالت در جامعه است. در این چارچوب، طاغوت بدون حمایت گروه‌هایی چون «ملأ» (اشراف و نخبگان سیاسی)، «مترفین» (غرق‌شدگان در رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی)، و «احبار و رهبان» (عالمان دینی منحرف و بدعت‌گذار)، توانایی تثبیت سلطه خود را ندارد. این گروه‌ها با ترفندهایی چون تحریف حقایق، ترویج فساد، مشروعیت‌بخشی به ظلم، و مهندسی افکار عمومی،

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران، hadian.e@hadith.ir

۲. دانشیار گروه قرآن، دانشکده علوم و معارف قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران.

The Facilitators of Ṭāghūt in the Qur’anic Thought of Ayatollah al-‘Uzmā Khamenei (may Allah protect him)

Abstract:

This research examines the role of facilitators of the rule of the tyrant in the Quranic thought of Grand Ayatollah Khamenei (his guardian). From his perspective, fighting the tyrant is one of the fundamental pillars of monotheism and the foundation for realizing justice in society. In this framework, the tyrant is unable to establish its dominance without the support of groups such as “mulla” (nobility and political elites), “mutafarin” (those immersed in welfare and luxury), and “ahbar and rahban” (deviant and heretical religious scholars). These groups prepare the ground for the deviation of societies through tricks such as distorting facts, promoting corruption, legitimizing oppression, and engineering public opinion. The present article, using an interpretive analysis approach, explains the position and function of these groups in the structure of the tyrant’s dominance. Based on the research findings, the role of intermediary groups such as mercenary thugs, deceived masses, passive elites, and affiliated media also plays a pivotal role in perpetuating the oppressive situation and suppressing justice-seeking movements. This analysis shows that, from the perspective of Grand Ayatollah Khamenei (may Allah protect him), understanding the synergistic network of tyrant elements is essential for effectively combating oppression and achieving social justice in the present era

Keywords: The Quran, Ayatollah Khamenei, tyrants, mullahs, ecclesiastical officials, priests and monks.

در ساختار قدرت و مسدود کردن مسیر تحقق قسط و عدالت نفوذ می‌کنند؟ علاوه بر این، نقش گروه‌های واسطه‌ای مانند اوباش مزدور، عوام فریب‌خورده، نخبگان بی‌بصیرت، و مزدوران رسانه‌ای در استمرار سلطه طاغوت نیز بررسی می‌شود.

ضرورت پژوهش

بررسی نقش تسهیل‌کنندگان امر طاغوت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، از این رو ضرورت دارد که شناخت دقیق این گروه‌ها، هم در تحلیل ساختارهای ظلم و استکبار و هم در تبیین موانع تحقق جامعه توحیدی و عدالت اجتماعی در عصر حاضر کاربرد دارد. با توجه به پیچیده‌تر شدن ابزارهای سلطه در دوران معاصر، شناخت چهره‌ها و شیوه‌های جدید بازتولید طاغوت، از منظر قرآنی و با بهره‌گیری از اندیشه یک مرجع فکری فعال در میدان مبارزه، می‌تواند در فهم بهتر ریشه‌های ظلم و طراحی راهبردهای مقابله با آن، نقش بسزایی ایفا کند. این پژوهش، ضمن پر کردن خلأ مطالعاتی در خصوص ترکیب سه‌گانه‌ی ملاً، مترفین - احبار و رهبان در اندیشه قرآنی رهبری، الگویی برای شناخت جبهه باطل و سازوکارهای آن ارائه می‌دهد.

پیشینه پژوهش و جایگاه تحقیق

درباره مباحث مربوط به طاغوت و نقش گروه‌هایی چون ملاً، مترفین و احبار و رهبان، تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته است و ذیل آیات مربوطه نیز مباحث تفسیری متعددی بیان شده است. این مطالعات عموماً به بررسی نقش اجتماعی، اقتصادی و دینی این گروه‌ها در تقابل با پیامبران و جلوگیری از تحقق عدالت و قسط پرداخته‌اند. برای نمونه، پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی چگونگی روابط انبیاء با ملاً و مترفین بر مبنای آیات قرآن و قصص انبیاء» توسط پروانه چراغی (دانشگاه پیام نور اهواز، ۱۴۰۲) به بررسی تقابل ساختارهای قدرت با انبیاء پرداخته است. همچنین، پژوهشی با عنوان «سیمای مترفین در قرآن و نهج البلاغه» اثر شهناز یعقوبی (دانشکده اصول‌الدین، ۱۳۷۹) به تحلیل ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری این طبقه در متون دینی اختصاص دارد. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل

مقدمه:
از آغاز تاریخ بشریت، خداوند پیامبران را برای هدایت انسان‌ها به سوی توحید و عدالت اجتماعی مبعوث کرده است. با این حال، پیامبران همواره با گروه‌هایی مواجه بوده‌اند که در برابر رسالت الهی مقاومت می‌کردند. قرآن کریم به‌صراحت از این گروه‌ها یاد کرده و تلاش آنان را برای انحراف مسیر هدایت و ایجاد موانع در برابر تحقق قسط و عدالت تبیین کرده است. این گروه‌ها نه‌تنها در زمان پیامبران بلکه در تمامی اعصار، با اشکال گوناگون عمل کرده‌اند.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، با رویکردی قرآنی، به تحلیل این گروه‌ها و نقش آن‌ها در جلوگیری از تحقق اهداف پیامبران پرداخته‌اند. ایشان بر این باورند که هدف اصلی انبیاء، تربیت انسان و ایجاد جامعه‌ای توحیدی و عادلانه است؛ جامعه‌ای که در آن انسان‌ها بتوانند به کمال و تعالی دست یابند. اما، با وجود این اهداف والا، گروه‌های معارض، همواره در مسیر پیامبران الهی، با روش‌ها و راهبردهای متنوعی به مقابله با آنان پرداخته‌اند.

بر اساس گزاره‌های قرآنی، ایشان ساختار قدرت‌های طاغوتی را متشکل از چهار گروه اصلی می‌دانند: طاغوت، ملاً، مترفین، و احبار و رهبان. در این میان، ملاً، مترفین و احبار و رهبان، تحت سلطه طاغوت و به‌عنوان سه ضلع اصلی تسهیل‌کنندگان امر طاغوت، نقش کلیدی در تحریف حقیقت، سرکوب عدالت‌خواهان، و تثبیت سلطه حاکمان مستبد نقش ایفا می‌کنند.

ملأ، نخبگان سیاسی و اشراف جامعه‌اند که با مدیریت افکار عمومی و بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای، طاغوت را تقویت می‌کنند. مترفین، ثروتمندان و صاحبان قدرت اقتصادی‌اند که با ایجاد فرهنگ رفاه‌زدگی و لذت‌گرایی، مردم را از ارزش‌های توحیدی دور می‌سازند. احبار و رهبان، علمای دینی وابسته به طاغوت‌اند که با تحریف آموزه‌های الهی، مشروعیت‌بخش حاکمان جور می‌شوند.

در این پژوهش، با بررسی منابع تفسیری، تاریخی و تحلیل اندیشه قرآنی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، به این پرسش اساسی پاسخ داده می‌شود که: تسهیل‌کنندگان امر طاغوت در اندیشه قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) چه کسانی هستند و چگونه

شخص یا نظامی که انسان را از ولایت الهی خارج کند و در مسیر فساد، ظلم، بی‌تفاوتی، یا راحت‌طلبی قرار دهد، طاغوت محسوب می‌شود. از منظر ایشان، طاغوت می‌تواند انسان، مال، قدرت، رسانه، قانون یا حتی نفس انسان باشد، به شرط آن‌که انسان را از سرسپردگی به خدا خارج کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۸۴).

بر این اساس، طاغوت صرفاً یک فرد یا پدیده مشخص نیست، بلکه هر نیرویی است که با تجاوز از حدود الهی، مانع رشد انسان، بندگی خداوند، و تحقق حاکمیت ارزش‌های توحیدی می‌شود. این مفهوم، دربردارنده تمامی اشکال قدرت‌های طغیان‌گر، از نظام‌های استبدادی گرفته تا جریان‌های فکری، اقتصادی و فرهنگی است که انسان را از مسیر فطرت و اطاعت خداوند دور می‌سازند. طاغوت، با بهره‌گیری از ابزارهای متنوع سلطه، همچون زور، تزویر، ثروت، و فریب، در پی آن است که حقیقت را پنهان کرده، مردم را در جهل و غفلت نگه دارد، و جایگاه انبیاء و صالحان را تضعیف کند.

در چنین فضایی است که پیامبران الهی، مأمور به مقابله با طاغوت و دعوت مردم به عبودیت خالص برای خدا می‌شوند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶). این تقابل، نه فقط یک تقابل اعتقادی، بلکه یک نزاع تمدنی و اجتماعی است که سرنوشت جوامع انسانی را رقم می‌زند.

۱-۱. رسالت اجتماعی پیامبران و مبارزه با

طاغوت به‌مثابه پیش‌شرط تحقق توحید

پیامبران الهی در مسیر هدایت بشر، نه تنها به اصلاح فردی انسان‌ها پرداخته‌اند، بلکه برای ایجاد جامعه‌ای توحیدی تلاش کرده‌اند. آنان محیطی سالم و متناسب برای تربیت انسان‌ها فراهم کرده‌اند تا افراد در بستری الهی پرورش یابند (رک حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۸۴). بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام)، بعثت پیامبران برای هدایت جامعه‌ها بوده است، نه صرفاً هدایت فردی.

طبق دیدگاه مقام معظم رهبری، پیامبران الهی دو هدف اصلی داشته‌اند:

۱. ساختن انسان و پیراستن او از بدی‌ها و

روان‌شناختی مترفین و عالمان فاسد به عنوان دو گروه مرجع در قرآن کریم» نوشته علی مخدومی و محمد کاویانی (مجله اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ش ۱۲، ۱۳۹۸)، از منظر روان‌شناختی به کارکرد این دو گروه در منحرف‌سازی جامعه پرداخته شده است.

در تفاسیر قرآن و تحقیقات تاریخی نیز تحلیل‌هایی درباره عملکرد این گروه‌ها انجام شده، اما طرح موضوع سه‌ضلعی ملاً، مترفین و احبار و رهبان به‌عنوان اضلاع اصلی تسهیل‌کننده امر طاغوت، برای نخستین‌بار در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» توسط حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مُدظَلَّه‌العالی) مطرح شده است. این رویکرد که سه گروه یاد شده را به‌عنوان ارکان تثبیت قدرت طاغوت و ابزار انحراف جامعه از مسیر توحید معرفی می‌کند، با چنین چارچوب مفهومی و منظومه تحلیلی به‌صورت مستقل در تحقیقات علمی بررسی نشده است.

این پژوهش، با تکیه بر این چارچوب نظری، تلاش دارد که جایگاه این سه گروه را در مهندسی قدرت طاغوتی و تحریف مسیر هدایت از نگاه قرآن و اندیشه مقام معظم رهبری بررسی کند. افزون بر این، با تحلیل نقش واسطه‌های اجرایی طاغوت، تصویری جامع‌تر از شبکه قدرت‌های استکباری ارائه می‌شود.

۱. طاغوت و نقش آن در تقابل با رسالت پیامبران الهی

واژه «طاغوت» در اصل از ریشه «طَغَى» گرفته شده که به‌معنای تجاوز از حد و مرز و سرکشی است. در متون لغوی، طاغوت به هر چیزی که از حدود الهی عبور کند و هر آن‌چه به‌جای خدا مورد تبعیت یا پرستش قرار گیرد و منشأ ضلالت و طغیان باشد، اطلاق شده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۴۰۰/۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۶۳۶/۱۹؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۵۲/۸؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۲۴۱۳/۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۳۵/۴؛ راغب، ۱۴۱۲: ۵۲۰).

علامه طباطبایی، طاغوت را به‌عنوان طغیان و تجاوز از حد تعریف کرده و مصادیق آن را اصنام، شیاطین، ائمه ضلالت و هر متبوعی که رضای خداوند در پیروی از او نباشد، برشمرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۴۴/۲).

در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نیز طاغوت صرفاً اسم خاص برای بت یا شیطان نیست، بلکه هر عامل،

آراستن او به نیکی‌ها و فضیلت‌ها.

۲. ایجاد جامعه و نظام توحیدی و الهی که این هدف در مسیر رسیدن به هدف نخست، محقق خواهد شد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۸۷-۳۸۶).

خداوند برای هر امتی پیامبری برگزیده تا از طریق هدایت عمومی، مسیر حق برای تمامی افراد هموار شود. حتی اگر گروهی از افراد به هر دلیلی از نعمت هدایت مستقیم پیامبران محروم بمانند، هدایت امت همچنان محقق است. این دیدگاه، ادعای فردی بودن هدایت انبیا را رد می‌کند، زیرا چنین ادعایی با آموزه‌های دینی و واقعیت تاریخی ناسازگار است (مصباح یزدی، ۱۴۰۱: ۴۷۲).

چنان که در آیه ۲۵ سوره حدید نیز خداوند هدف از ارسال پیامبران را قیام مردم به قسط معرفی می‌کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».

این آیه شریفه تأکید دارد که هدف از رسالت پیامبران، فراهم کردن زمینه‌ای است که مردم خود قیام به قسط کنند، نه اینکه پیامبران به‌تنهایی این کار را انجام دهند. نظام عادلانه و مبتنی بر قسط، بستری برای تکامل و تعالی انسان‌ها فراهم می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۸۹) و قیام به قسط و عدالت، مقدمه‌ای برای تحقق هدف والای خلقت، یعنی عبودیت است: «وَمَا خَلَقْتُ لَجَنٍّ وَلَا نِسٍّ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶).

از سوی دیگر، در ادامه آیه ۲۵ سوره حدید، عبارت «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ»، اشاره به نزول «حدید» می‌کند که نشان‌دهنده لزوم آمادگی برای مقابله با جریان‌های مخالف عدالت است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۸۹). تجربه تاریخی نشان می‌دهد که طاغوت‌ها همواره در برابر گسترش عدالت و توحید مقاومت کرده‌اند و پیامبران ناگزیر بوده‌اند در کنار دعوت به توحید، با طاغوت نیز مقابله کنند.

بر این اساس، دعوت پیامبران به توحید، صرفاً یک دعوت اعتقادی یا ذهنی نبود، بلکه مستلزم نفی همه مظاهر طاغوت در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بود. سلطه طاغوت بر افکار، ساختارها و نظام‌های اجتماعی، مهم‌ترین مانع در برابر تحقق جامعه توحیدی به‌شمار می‌آید. از این‌رو، مبارزه با

طاغوت، نه یک کنش فرعی، بلکه شرط اساسی برای استقرار ایمان و عبودیت حقیقی است. چنان که قرآن تصریح می‌کند: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» (بقره: ۲۵۶).

در این نگاه، نفی طاغوت مقدمه‌ای ضروری برای استواری ایمان و تحقق عدالت و عبودیت در جامعه است.

۱-۲. طاغوت‌ستیزی و مقاومت: پایه‌های

جامعه توحیدی در اندیشه انبیاء و اهل بیت (ع)

مطلع دعوت همه پیامبران الهی و شاخصه اصلی مسیر بندگی و صراط مستقیم، شعار «لا إله إلا الله» است که در جوهر خود، نفی طاغوت و مبارزه با آن را در اولویت قرار می‌دهد. بر این اساس، مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نبوت را یک رستاخیز اجتماعی می‌داند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۴۲۱) و روح توحید را نفی هرگونه قدرتی جز قدرت الهی تعریف می‌کنند (همان: ۴۰۲). از نگاه ایشان، خلأ اساسی، موضوع مبارزه با طاغوت است.

در توقیعی از امام زمان (عج) به محمد بن عثمان (نایب دوم ایشان)، علت غیبت به‌صراحت چنین بیان شده است:

«إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي عِلاَءٌ وَقَدْ وَفَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ لَطَاغِيَةِ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرَجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/ ۴۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۹۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۲/ ۲۷۲؛ قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۳/ ۱۱۱۵).

«هیچ یک از نیاکان من نبود مگر آن که در بند بیعت طاغوت زمانش بود اما من، به هنگام قیام، قیام می‌کنم در حالی که بیعت هیچ طاغوتی را به گردن ندارم».

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «يَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَهْدٌ وَ لَا عَقْدٌ وَ لَا بَيْعَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴۲/۱).

«قائم ما در حالی ظهور می‌کند که در گردن او برای احدی، عهد و پیمان و بیعتی نباشد».

این سخن تأکید دارد که رهایی کامل از سلطه طاغوت و هرگونه وابستگی به قدرت‌های ظالم، پیش‌شرط تحقق ظهور است و مسیر قیام امام عصر (عج) بر محور نفی طاغوت و استقلال کامل از هر نیروی طغیانگر قرار دارد.

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که شیاطین انس و جن، همواره با کمک و الهام متقابل از یکدیگر، در تقابل با پیامبران الهی و اهداف توحیدی آن‌ها عمل کرده‌اند. طبق سنت و قانون الهی، این گروه‌ها همواره در مبارزه با پیامبران الهی باقی می‌مانند تا مومنان از غیرمومنان متمایز شوند. اگر خداوند اراده می‌کرد، می‌توانست تمامی این گروه‌های معارض و امکانات آن‌ها را از بین ببرد، اما این مبارزه برای آزمایش و تمایز انسان‌ها ضروری است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۴۳۴).

۲. سه ضلع قدرت به‌عنوان تسهیل‌کنندگان امر طاغوت در سخنان آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مَدَّ ظِلَّهُ الْعَالِي)

به گواهی تاریخ، طاغوت معمولاً به‌طور مستقیم وارد میدان مبارزه با جبهه حق نمی‌شود و ترجیح می‌دهد نیروهایی را برای این هدف اجیر کند.

۱-۲. ضلع نخست: ملاً

۱-۲-۱. تعریف «ملاً» و نقش آن در ساختار قدرت و تقابل با بعثت پیامبران «ملاً» به اشراف، اعیان و سران جامعه اطلاق می‌شود؛ کسانی که سخنانشان تأیید حاکمان طاغوت را به همراه دارد و به دلیل ظاهر پرابهت و جایگاه اجتماعی خود، توجه و احترام مردم را جلب می‌کنند. این گروه، با وحدت نظر و توافق بر منافع مشترک، به عنوان نخبگان سیاسی و اجتماعی در کنار حاکمان فعالیت می‌کنند (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱/۲۵۰؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۲/۹۸۷؛ طریحی، ۱۴۱۴: ۱/۳۹۶؛ راغب، ۱۴۱۲: ۷۷۶). قرآن کریم در آیات متعددی به این طبقه اجتماعی اشاره کرده و آنان را به‌عنوان سیاست‌مداران خودکامه‌ای معرفی می‌کند که نقشی مؤثر در تضعیف روحیه مستضعفان دارند. آنان به‌عنوان حلقه‌ای نزدیک به قدرت، همواره حامی حکومت طاغوت بوده و با رفتار و سیاست‌های خود، به تثبیت جایگاه حاکم طاغوت کمک می‌کنند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۲۳۷).

ملاً، با ظاهر و جایگاه پرابهت خود، تأثیری عمیق بر افکار و دیدگاه‌های مردم دارند. این افراد نماد جاه و جلالی هستند که در مواجهه با آنان، عموم مردم احساس کوچکی و خضوع می‌کنند (حسینی خامنه‌ای،

بر همین اساس است که مقام معظم رهبری در بیانات خود تأکید دارند: «فلسطین کلید رمزآلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلام است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵: بیانات در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس).

حل مسئله فلسطین، نقطه عطفی در مسیر بیداری اسلامی و مقابله با استکبار است که امت اسلام را از موانعی که نظام سلطه بر آن تحمیل کرده، عبور داده و زمینه‌ساز تحولات عمیق در جهان اسلام خواهد شد. این دیدگاه، مبارزه با طاغوت را نه‌تنها محور بیداری اسلامی بلکه اصلی بنیادین در حرکت امت اسلام معرفی می‌کند و پیوندی عمیق میان مبارزه با طاغوت و تحقق ظهور برقرار می‌کند و نشان می‌دهد که نابودی اسرائیل، به‌عنوان نماد طغیانگری و طاغوت زمان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای شکل‌گیری شرایط ظهور است.

۱-۳. طاغوت و نقش مثلث قدرت در تقابل با دعوت پیامبران الهی

در جامعه‌ای که رأس آن خداوند و شعار اصلی آن «لا إله إلا الله» باشد، طاغوت و گروه‌های وابسته به آن هرگز تسلیم نشده و همواره در برابر دعوت و رسالت پیامبران الهی مقاومت کرده‌اند. این گروه‌ها، که اغلب یک مثلث قدرت را تشکیل می‌دهند، در قرآن کریم با عناوینی چون ملاً، مترفین، و احبار و رهبان معرفی شده‌اند.

هنگامی که این مثلث قدرت تشکیل می‌شود، طاغوت در رأس آن قرار گرفته و این گروه‌ها به‌عنوان ابزارهای او عمل می‌کنند. باین‌حال، خود این مثلث نیز به‌نوعی نماد طاغوت است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۲۳۹-۲۳۷).

این گروه‌ها، یعنی ملاً، مترفین، و احبار و رهبان، نه‌تنها در هر جامعه‌ای نقش مجزایی ایفا می‌کنند، بلکه گاهی از یکدیگر الهام گرفته و به‌صورت متقابل به یکدیگر آموزش می‌دهند. نقطه مشترک آن‌ها وابستگی کامل به طاغوت و تلاش برای حفظ قدرت اوست. این واقعیت در قرآن کریم نیز بیان شده است «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ» (انعام، ۱۱۲).

شریفه، هدف و انگیزه ملاً از درخواست جنگ در کنار پیامبر خدا آشکار می‌شود. آنان به ظاهر خواستار جنگ در راه خدا بودند، اما در حقیقت انگیزه‌شان الهی نبود. آن‌ها به دلیل محرومیت از خانه‌ها، باغ‌ها و نعمت‌هایشان چنین درخواستی داشتند و هدف اصلی‌شان بازگشت به دیار و حفظ منافع شخصی بود، نه اطاعت از خداوند. با صدور دستور جهاد، ملاً که در ابتدا موافق بودند، به تدریج از این مسیر عقب‌نشینی کردند. تعداد زیادی از آنان جنگ را ترک گفتند و تنها عده کمی باقی ماندند. این گروه اندک نیز وقتی طلوت به‌عنوان فرمانده جنگ انتخاب شد، به اعتراض برخاستند (بقره: ۲۴۷).

برای ملاً، معیار اصلی تصمیم‌گیری، مادیات بود و نه معنویات. آن‌ها سلطنت را تنها شایسته افراد ثروتمند می‌دانستند و از پذیرش فرماندهی طلوت به دلیل نداشتن مال فراوان سر باز زدند. طلوت برای آزمون همراهانش، آن‌ها را از نوشیدن آب نهر منع کرد (بقره: ۲۴۹). با این حال، بیشتر آن‌ها از آب نوشیدند و تعداد کمی از آنان که آزمون را گذرانده بودند نیز در برابر سپاه جالوت دچار ترس و تردید شدند. این آیات ویژگی‌های برجسته ملاً را نشان می‌دهد:

❖ ۱. خودمحوری و مادی‌گرایی: ملاً به جای توجه به خداوند، بر منافع شخصی و مادی تمرکز داشتند.

❖ ۲. مخالفت با پیامبران: حتی زمانی که در ظاهر همراه پیامبران بودند، در نهایت به دلیل عدم اعتقاد واقعی به خداوند و معیارهای معنوی، از مسیر هدایت فاصله گرفتند.

❖ ۳. ناتوانی در آزمایش‌های الهی: ملاً توانایی استقامت در آزمون‌های الهی را نداشتند و همین ضعف، مانع پیشرفت و پیروزی آن‌ها در مسیر حق شد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۲۴۰-۲۴۳).

♥ ۲-۱-۲. مغیره بن شعبه: نمونه‌ای تاریخی از ملاً در خدمت طاغوت
یکی از نمونه‌های بارز ملاً وابسته به قدرت‌های طاغوتی، مغیره بن شعبه ثقفی بود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶:

۱۳۹۶: ۴۳۱). به این ترتیب، این طبقه نه تنها در استحکام بخشی به حکومت طاغوت نقشی کلیدی ایفا می‌کند، بلکه خود نیز به‌عنوان بخشی از نظام قدرت، در تداوم سلطه حاکمان سهیم است.

ماهیت ملاً به‌گونه‌ای است که همواره در برابر دعوت پیامبران الهی صف‌آرایی می‌کند. در قرآن کریم، هر بار که از ملاً یاد می‌شود، نشانه‌هایی از دسیسه‌ها، توطئه‌ها و اقدامات خصمانه آنان علیه پیامبران به چشم می‌خورد. این گروه با بهره‌گیری از ابزار خشونت و نیرنگ، نقشی کلیدی در جلوگیری از گسترش پیام الهی ایفا کرده‌اند و همواره تلاش داشته‌اند تا مسیر هدایت را سد کنند. برای نمونه:

«وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ» (قصص: ۲۰)

در سوره اعراف به نقش برجسته ملاًها در تسهیل و تقویت سلطه طاغوت در موارد متعددی اشاره شده است (آیات ۱۲۷، ۱۰۹، ۱۰۳، ۸۸، ۷۵، ۶۶، ۶۰). برای نمونه، در آیه ۱۲۷ این سوره، از زبان ملاً قوم فرعون چنین نقل شده است:

«وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يُدْرِكَ وَ الْهَيْكَلِ قَالَ سَنَقْتُلُنَّ أَبْنَاءَهُمْ وَ نَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ» (اعراف: ۱۲۷).

و سران و اشراف قوم فرعون [به او] گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می‌کنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازند؟» [فرعون] گفت: «[فکر] فرزندان آن‌ها را از بین خواهیم برد [و آنان را بی‌هویت خواهیم کرد] و حیای زانشان را نیز نابود خواهیم کرد؛ و قطعاً ما بر آنان چیره‌ایم» (ترجمه هادیان).

بر اساس یک تفسیر مطرح درباره آیه شریفه و با توجه به قاعده توسعه معنایی، «قتل» در این آیه مفهومی فراتر از کشتن فیزیکی دارد و به معنای نابودی روح تفکر و اندیشه در میان انسان‌ها است و «استحیاء» به معنای از میان بردن حیا و پاکدامنی زنان در جامعه است (مهدوی راد و هادیان رسانی، ۱۳۹۹: ۲۲۰).

قرآن کریم در آیه ۲۴۶ سوره بقره، به ملاً یعنی اشراف و بزرگان یک قوم، اشاره کرده و آن‌ها را در کنار یکی از پیامبران الهی به تصویر می‌کشد. بر اساس این آیه

مغیره بن شعبه در دوران حکمرانی بر کوفه، به دستور معاویه اقدام به محدود کردن شیعیان و جلوگیری از نشر فضایل امیرمؤمنان علی(ع) کرد. او با ترویج اهانت‌ها و حملات تند علیه امام علی(ع)، این رفتار را به‌عنوان یک فرهنگ در جامعه کوفه نهادینه ساخت (یعقوبی، بی‌تا: ۱۶۲/۲).

یکی از اقدامات شناخته‌شده مغیره، عیب‌گویی و تخریب شخصیت امام علی(ع) بود. او نه تنها در این مسیر تلاش می‌کرد، بلکه در جعل و انتشار احادیث ساختگی به نفع معاویه و علیه امام علی(ع) نقش فعالی ایفا کرد (ثقفی، ۱۳۷۴، ترجمه آیتی: ۱۹۵).

مغیره به همراه عمرو عاص و زیاد بن ابیه، نمونه ملاً و یکی از سه ضلع مهم قدرت بنی‌امیه بود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۴۳۲). رفتار او نمونه‌ای آشکار از تلاش ملاً برای سرکوب جبهه حق بود؛ همان سیاستی که در طول تاریخ، توسط دیگر ملاًهای وابسته به طاغوت ادامه یافته است.

❖ ۲-۱-۳. سیاست ایجاد ارباب: حربه‌ای مؤثر از ملاً در جامعه

یکی از مهم‌ترین ابزارهای ملاً برای کنترل جامعه و پیشبرد اهداف خود، سیاست ایجاد ارباب است. قرآن کریم در آیه ۹۰ سوره اعراف به نقش ملاً در استفاده از این حربه اشاره کرده و می‌فرماید: «وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِيُنَّبَغَنَّكُمْ شُعَبًا إِذَا لَخَسِرُونَ». و اشراف و سران کفرپیشه قومش [به مردم] گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، در آن صورت قطعاً [سرمایه خود را از دست داده و] زبان کار خواهید بود [زیرا توسط ما از شهر و دیارتان اخراج شده و دچار خسارت‌های مالی و مصادره سرمایه‌هایتان می‌شوید]»

این آیه نشان‌دهنده روش تهدید و ارباب ملاً برای جلوگیری از پیروی مردم از پیامبران و حق‌طلبان است. این سیاست ملاً، در بسیاری از بحران‌های اجتماعی امروز نیز دیده می‌شود. دشمنان با تهدید مردم، آن‌ها را وادار می‌کنند در تحصن‌ها و اغتشاشات شرکت کنند و از فعالیت‌های روزمره خود دست بکشند. در غیر این صورت، آن‌ها را با تخریب محل کار یا مخدوش کردن وجهه اجتماعی‌شان تهدید می‌کنند. این رفتار، بازتاب همان سیاست تهدید و ترس‌آفرینی است که قرآن از

۴۳۲). او در سال پنجم هجری اسلام آورد، آن هم در حالی که به دلیل کشتن گروهی از قوم خود و ربودن اموال آنان، در حال فرار بود (بخاری، ۱۳۸۱: ۹۷۶/۲؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۲۳/۶۰). مغیره یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در تثبیت قدرت خلفای سه‌گانه و معاویه به شمار می‌رفت و دو بار به عنوان حاکم کوفه منصوب شد.

مغیره، علی‌رغم ارادت به خلفا و تلاش برای تقویت قدرت آنان، همواره در تقابل با امیرمؤمنان علی(ع) قرار داشت. او نقشی محوری در فتنه‌انگیزی و ستمگری در دوران خلافت امام علی(ع) ایفا کرد و یکی از چهره‌های کلیدی در سایه حکومت‌های طاغوتی بود.

مغیره بن شعبه ثقفی از جمله شخصیت‌هایی بود که همکاری نزدیکی با معاویه داشت. او در سال ۴۱ هجری قمری به پاداش خوش خدمتی‌های خود، به امارت کوفه منصوب شد و تا پایان عمر به‌عنوان یکی از دستیاران وفادار معاویه فعالیت کرد. به گفته زهری، مغیره از جمله کسانی بود که از بیعت با امیرمؤمنان علی(ع) خودداری کرد (طبری، ۱۴۱۳: ۳۰۷۰/۱).

مغیره، اندکی پس از دیدارش با امام علی(ع)، مدینه را ترک کرد و به گروه اصحاب جمل پیوست تا در جنگ علیه امیرمؤمنان(ع) شرکت کند. با این حال، پس از شکست این گروه، از صحنه کناره‌گیری کرد و در طائف مستقر شد تا فرصت بهتری برای توطئه‌گری پیدا کند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۰۷/۳). امام علی(ع) درباره مغیره فرمود: «به خدا قسم! همواره حق را به باطل می‌آمیزد و باطل را حق جلوه می‌دهد و از دین، آن را پذیرفته که با دنیا موافق است» (مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۸).

مغیره در جریان حکمیت در جنگ صفین نیز نقش داشت. او در مذاکرات دومه الجندل حاضر شد و ضمن بشارت به معاویه درباره پیروزی بر اشعری، او را از حیل‌های احتمالی عمرو عاص آگاه ساخت (طبری، ۱۴۱۳: ۱۶۴/۴).

این سیاستمدار حیل‌گر، به همراه زیاد بن ابیه و عمرو عاص، نقش کلیدی در تثبیت و تداوم حکومت معاویه ایفا کرد. از جمله اقدامات او، تحمیل صلح بر امام حسن(ع) بود که باعث دگرگونی و تضعیف سپاه امام شد (یعقوبی، بی‌تا: ۱۴۲/۲).

آن به‌عنوان ابزار طاغوتیان یاد می‌کند.

◀ ۲-۱-۴. ملأها و تروریسم رسانه‌ای

ملأها در طول تاریخ، از ابزار شایعه‌سازی و تبلیغات منفی برای تخریب شخصیت‌های الهی و رهبران حق طلب استفاده کرده‌اند. قرآن کریم در سوره اعراف، نمونه‌ای از این رفتار را درباره قوم فرعون و اتهام به

حضرت موسی (ع) بیان می‌کند:

«قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ» (اعراف، ۱۰۹). ملأ قوم فرعون با نسبت دادن جادوگری ماهرانه به حضرت موسی (ع)، سعی داشتند او را در چشم مردم تخریب کنند و دعوت او را بی‌اعتبار سازند.

این روش توسط دشمنان در مورد پیامبر اسلام (ص) نیز به کار گرفته شد. قرآن کریم نقل می‌کند که آنان پیامبر را به ساحر بودن، مجنون بودن و اتهامات دیگری متهم می‌کردند (انعام: ۷، اعراف: ۲۰۳، نحل: ۱۰۱، نحل: ۱۰۳، انبیاء: ۵، فرقان: ۵).

در طول تاریخ، ملأها با تبلیغات خود، افکار عمومی را به گونه‌ای جهت داده‌اند که حتی برخی چهره‌های مذهبی نیز، ناآگاهانه، تحت تأثیر القائنات آنان قرار گرفته‌اند. نمونه‌ای از این تأثیر در واکنش حسن بصری به امیرالمؤمنین (ع) دیده می‌شود. روایت شده است که روزی او هنگام وضو گرفتن، آب زیادی مصرف می‌کرد. امیرالمؤمنین (ع) به او فرمود: «ای حسن بصری! چرا این قدر آب مصرف می‌کنی؟» حسن بصری در پاسخ گفت: «خون‌هایی که تو از مسلمانان ریختی، بیشتر از آبی است که من بر دستانم می‌ریزم» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۹۵/۴؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵: ۵۳۶/۳). این سخن، نشان‌دهنده میزان اثرگذاری تبلیغات ملأ در جامعه آن زمان بود، تا جایی که حتی فردی مانند حسن بصری نیز، بدون درک حقیقت، تحت تأثیر این فضا سازی‌ها قرار گرفته بود.

رفتار ملأها در گذشته و امروز تفاوتی ندارد؛ تنها ابزارها و نام‌های آنان تغییر کرده است. در زمان فرعون، هامان در نقش ملأ ظاهر شد؛ در زمان معاویه، مغیره بن شعبه این نقش را ایفا کرد؛ و در عصر معاصر، رسانه‌های بیگانه مانند بی‌بی‌سی، اینترنشنال و دیگر ابزارهای رسانه‌ای، به‌عنوان ملأهای نوین عمل می‌کنند. این رسانه‌ها، با استفاده از تروریسم رسانه‌ای، سعی در تخریب

شخصیت‌های انقلابی، الهی و هویت‌های دینی دارند و در تلاش‌اند تا از طریق شایعه‌سازی و نشر اطلاعات نادرست، مردم را از حقایق دور کنند.

♥ ۲-۲. ضلع دوم: مترفین

◀ ۲-۲-۱. تعریف «اتراف» و نقش آن در ساختار قدرت و تقابل با بعثت انبیاء

در نظام‌های طاغوتی، علاوه بر ملأها که به‌عنوان اشراف و حاشیه‌نشینان قدرت عمل می‌کنند، گروه دیگری نیز وجود دارند که نقش کلیدی در تقویت و تثبیت طاغوت ایفا می‌کنند: مترفین. این گروه، به دلیل غرق شدن در نعمت‌ها و زندگی مرفه، به ابزارهای طاغوت برای ایجاد فساد، بی‌عدالتی و دوری از ارزش‌های الهی تبدیل می‌شوند.

بررسی نقش مترفین، نشان می‌دهد که این گروه چگونه به یکی از اضلاع مهم تسهیل‌کنندگان طاغوتی تبدیل شده و همواره در راستای منافع آن حرکت کرده‌اند.

واژه «ترف» و «ترفه» به معنای برخورداری نعمت است و «مترف» کسی است که در راحتی و آسایش زندگی غرق شده و نعمت‌های دنیوی او را فریفته است. این فرد دارای بهره‌وری گسترده از دنیا و خواسته‌های آن بوده و زندگی او در فراخی و گشایش مادی خلاصه می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۹/ ۳۴۵؛ شعرانی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۰۶).

طبرسی، مترف را کسی می‌داند که در بهره‌مندی از نعمت‌ها بی‌مانع است و به دلخواه خود رفتار می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/ ۶۲۵).

بر اساس این تعریف‌ها، «اتراف» به معنای طغیان در استفاده از نعمت است. ثروت هنگفتی که در یک جا گرد آید، موجب سرکشی و طغیان می‌شود. مترفین نیز بدون هیچ مانعی، به دلخواه خود از نعمت‌های الهی برای ارضای خواسته‌های نفسانی استفاده می‌کنند. این واژه در تمام موارد، بار معنایی منفی و مذموم دارد.

قرآن کریم در سوره سبأ، واکنش مترفین در برابر پیامبران الهی را چنین توصیف می‌کند: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (سبأ: ۳۴).

پوستش بیرون می آید، گفته می شود: «فَسَقَّتِ الرُّطْبَةُ» (ابن دُرَید، ۱۹۸۸: ج ۲، ص ۸۴۷؛ ازهری، ۱۴۲۱: ج ۸، ص ۳۱۵؛ جوهری، ۱۳۷۶: ج ۴: ۱۵۴۳). به همین جهت، فاسق به کسی گفته می شود که از اطاعت و فرمان خداوند خارج شده است؛ خواه این خروج به شکل ترک اوامر الهی باشد یا میل به سوی معصیت.

بنابراین فسق از نظر مفهومی، بیانگر وضعیت گسستن از دایره بندگی الهی است و در مقایسه با طاغوت - که پیش تر معنا شد - مصداقی از «طغیان» و تجاوز از حد در ساحت بندگی خداوند است.

مترفین در قرآن کریم، نماد افرادی هستند که با فراموشی خداوند و غرق شدن در دنیاپرستی، زمینه های فسق و فساد اجتماعی و نابودی اخلاقی را فراهم می کنند. رفتار و سرنوشت این افراد، هشدار جدی برای جامعه است تا از مسیر شکرگزاری و استفاده صحیح از نعمت های الهی منحرف نشود.

۳-۲. ضلع سوم: احبار و رهبان

۳-۲-۱. تعریف «احبار و رهبان» و نقش آنان در ساختار قدرت و تقابل با بعثت انبیا

«حبر» یا «حبر» به معنای عالمی از علمای دین است که علم و آثار او در دل مردم تأثیر می گذارد. جمع این واژه، احبار است و شامل علمای مسلمان و اهل کتاب می شود (زبیدی، ۱۳۰۶: ۵/۲؛ طریحی، ۱۴۱۴: ۳/۲۵۶؛ راغب، ۱۴۱۲: ۲۱۵؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۹۵/۲). «احبار» به کسانی گفته می شود که به اخبار امت ها و آنچه در گذشته و حال رخ داده، آگاهی دارند (راغب، ۱۴۱۲: ۲۱۵؛ زبیدی، ۱۳۰۶: ۵/۲).

«رهبان» نیز مقدسین هر قوم را شامل می شود که نقش مهمی در گوشه نشینی و بدعت گذاری در دین دارند. قرآن کریم به این گروه اشاره کرده و درباره آنها می فرماید: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا» (حدید: ۲۷).

احبار و رهبان در تاریخ نقش مشروعیت بخشی به اعمال نادرست طاغوت و گروه های مترف و ملأ را داشته اند. این دو گروه با استفاده از موقعیت مذهبی خود، اعمال و رفتارهای حاکمان را در نظر مردم توجیه کرده و مشروع جلوه می دادند.

برای نمونه، شریح قاضی پس از ورود عبدالله بن زیاد به

بر اساس این آیات، مترفین همواره در صف اول مخالفان پیامبران بوده اند که در برابر پیامبران صف آرایی کرده و دعوت آنها را به چالش کشیده اند. این گروه، به دلیل ثروت بی حساب و جایگاه اجتماعی خویش، خود را برتر از دیگران و پیامبران می پندارند. مترفین اشراف و ثروتمندانی هستند که اگرچه ممکن است مستقیماً در رأس قدرت قرار نداشته باشند، اما ارتباطی دوسویه میان آنها و صاحبان قدرت وجود دارد که در آن هر دو طرف از منافع یکدیگر بهره مند می شوند. این گروه که مبتلا به ترف یا اشرافی گری هستند، با انباشت ثروت و زندگی مرفه، منشا بسیاری از جنایات، ظلم ها و بدبختی ها هستند (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۶: ۴۳۲؛ همو، ۱۳۹۰: بیانات در دومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع عدالت).

این گروه، با عقاید خرافی و تقلید از روش نیاکان خود، پیام پیامبران را انکار می کردند و عقاید پوچ را بر باورهای اصیل ترجیح می دادند (زخرف/ ۲۳). مترفین در استکبار و طغیان خود پافشاری کرده و نهایتاً با عاقبتی سهمگین روبه رو می شوند. خداوند در قرآن به سرنوشت آنها چنین اشاره می کند: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا» (اسراء/ ۱۶). «و هنگامی که [پس از اتمام حجت و فرستادن پیامبران] بخواهیم [اهل] دیاری را نابود کنیم، [نخست] مرفهین و خودکامگان مست شهوت آن جا را [که دیگران تابع آن ها هستند، به اطاعت و پیروی پیامبران] امر می کنیم [و این امر را همواره تکرار می کنیم] (یا بر سبیل سنت املاء و استدراج، بر نعمت آن ها می افزاییم) [تا بر معصیت کاران، اتمام حجت شود]؛ ولی آنان همچنان در آن دیار به فسق و فجور می پردازند [و از فرمانبرداری امتناع می کنند؛ و طبقات دیگر مردم نیز تابع آن ها می شوند یا به گناه آن ها راضی می گردند] تا این که وعده عذاب بر آن ها حتمی و محقق می شود و آن جا را به شدت در هم می کوبیم و نابود می کنیم». این آیه شریفه، به این مفهوم اشاره می کند که ترف، همواره با فسق همراه است (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

گفتنی واژه «فسق» در لغت به معنای «خارج شدن» است؛ همان گونه که در توصیف خرمایی که از

۲-۳-۲. احبار و رهبان: مدیریت افکار و مقابله با حق جویی در تاریخ

احبار و رهبان نقش مهمی در انحراف مردم از مسیر حق به منظور حفظ منافع شخصی و تثبیت موقعیت خود در کنار طاغوت‌ها داشتند. این افراد، با استفاده از جهل مردم، تلاش می‌کردند افکار جامعه را کنترل کرده و مردم را در ناآگاهی نگه دارند. هدف آن‌ها این بود که از آگاهی و روشنگری مردم جلوگیری کنند، چراکه این آگاهی تهدیدی جدی برای موقعیت مادی و معنوی آن‌ها و متحدان سیاسی‌شان به شمار می‌رفت. در تاریخ، نمونه‌های متعددی از مقابله احبار و رهبان با دعوت پیامبران وجود دارد. احبار و رهبان یهودی مانع از پایدار ماندن دعوت عیسی مسیح (علیه‌السلام) در جامعه یهودی منحن آن زمان شدند و در دوره ظهور اسلام نیز کوشیدند تا نهضت محمدی (صلی الله علیه و آله) را سرکوب کنند. آنان به خوبی می‌دانستند که روشنگری مردم به زیان خود و متحدان سیاسی‌شان تمام خواهد شد. بنابراین یکی از گروه‌هایی که همواره در برابر بعثت پیامبران و دعوت‌های آزادی‌بخش مبارزه کردند، احبار و رهبان بودند.

این افراد، با وجود بیان روشن پیامبران و حجت‌های آشکار آنان، مردم را به پایبندی به سنت‌های فکری نادرست و خرافات موروثی فرا می‌خواندند. آن‌ها از این امر آگاه بودند که پذیرش پیامبران از سوی مردم، جایگاه آن‌ها را متزلزل خواهد کرد و لذا این گروه بودند که نمرود را وادار کردند تا حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) را به آتش بیاندازد یا به فرعون اطمینان دادند که می‌توانند سحر حضرت موسی (علیه‌السلام) را با کهانت خود باطل کنند و همین گروه بودند که از بزرگ‌ترین مخالفان حضرت عیسی (علیه‌السلام) بودند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۴۳۰-۴۲۶).

با وجود این تلاش‌ها، اصول فطری و آموزه‌های پیامبران همواره چراغ روشنی برای تمایز حق از باطل بوده و راه هدایت را برای انسان‌ها هموار کرده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۱۸۵-۱۸۳).

۲-۳-۳. ویژگی دیگر احبار و رهبان: عدم قیام و مبارزه در راه خدا

کوفه، به او پیوست و در زمره مشاورانش قرار گرفت. او که مورد احترام مردم کوفه بود، نقش مهمی در تثبیت قدرت عبیدالله داشت. از جمله اقدامات او، دیدار با هانی بن عروه در زندان به دستور عبیدالله بود. با وجود درخواست هانی برای اطلاع‌رسانی وضعیت وخیمش، شریح تنها زنده بودن او را اعلام کرد که موجب پراکنده شدن یاران هانی و از دست رفتن فرصتی مهم برای قیام مسلم بن عقیل شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳۰/۴).

احبار و رهبان در ازای دریافت مبالغی، احکام الهی را تغییر می‌دادند. این تغییرات به‌صورت آشکار و صریح انجام نمی‌شد؛ بلکه ابتدا زمینه‌سازی لازم صورت می‌گرفت و سپس حکم غیرشرعی در قالب مذهبی ارائه می‌شد. آن‌ها با چنین اقداماتی، حلال را حرام و حرام را حلال نشان داده و لباس دین به احکامی غیردینی می‌پوشاندند. این رفتارها، مصداق اکل مال به باطل است که قرآن کریم به‌شدت از آن نهی کرده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۴۳۷).

قرآن کریم در آیه ۳۴ سوره توبه، این رفتار را با صراحت مورد انتقاد قرار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرَّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ».

بر اساس این آیه، احبار و رهبان نه تنها اموال مردم را به ناحق می‌خورند، بلکه آن‌ها را از راه خدا بازمی‌دارند. راه خدا شامل هدایت به سوی اسلام، پذیرش ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، و انجام اعمال خیر است. احبار و رهبان با وجود درک تأثیر اسلام در عزت، شرافت و سعادت مردم، با آن به مخالفت برخاستند و تلاش کردند تا افراد را از گرویدن به اسلام بازدارند.

یکی دیگر از اقدام‌های احبار و رهبان، تحریف و تغییر تورات بود. آن‌ها حقیقت را کتمان کرده و نام و نشان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) که در کتابشان ذکر شده بود، از مردم پنهان کردند. این رفتار به منظور جلوگیری از پذیرش اسلام توسط مردم و ایجاد موانع در مسیر هدایت آن‌ها انجام شد. این اقدامات، بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به سعادت مردم وارد کرد و مانع از دسترسی آن‌ها به حقیقت شد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۴۳۰-۴۲۶).

تمرکز می‌کنند. افرادی مانند سفیان ثوری، با ترویج احادیث ساختگی، تلاش می‌کردند تا مسیر هدایت را برای مردم مبهم سازند و جایگاه امامان شیعه را تضعیف کنند.

برای نمونه، سفیان ثوری با تبلیغات خود میان مردم، احکام الهی را تحریف می‌کرد. او مدعی بود که شراب رقیق حلال است و برخی از دیگر محرمات الهی را نیز حلال جلوه می‌داد (کشی، ۱۴۰۹: ۳۹۳-۳۹۷).

در کتاب رجال کُشی، حدیثی آمده است که نشان‌دهنده نقش افرادی مانند سفیان ثوری در تحریف احادیث و ایجاد ضعف در جبهه حق است. میمون بن عبدالله نقل می‌کند: «هنگامی که نزد امام صادق (علیه‌السلام) بودم، گروهی از مردم بصره برای شنیدن حدیث نزد آن حضرت آمدند. به امام (علیه‌السلام) عرض کردم که این‌ها افرادی هستند که احادیث را جمع‌آوری می‌کنند، اما اهمیتی نمی‌دهند که گوینده حدیث چه کسی است. امام (علیه‌السلام) از آن‌ها خواست تا آنچه شنیده‌اند، برای ایشان نقل کنند.

یکی از افراد اهل بصره، احادیثی جعلی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرد که همه آن‌ها ساختگی و بی‌اساس بودند. این شخص اظهار داشت که حتی اگر خود امام (علیه‌السلام) کذب بودن این احادیث را تأیید کند، او همچنان آن احادیث را رد نمی‌کند، زیرا به گمان او، روایت‌کنندگان این احادیث، همچون سفیان ثوری، جایگاهی بالاتر از خود امام داشتند (کشی، ۱۴۰۹: ۳۹۳-۳۹۷).

۳. واسطه‌های فتنه: ابزارهای اجرایی و اجتماعی طاغوت

ساختار قدرت‌های طاغوتی تنها بر سه گروه اصلی ملأ، مترفین و احبار و رهبان استوار نیست، بلکه این سه ضلع قدرت برای تثبیت حاکمیت خود از ابزارهای اجرایی و اجتماعی نیز بهره می‌گیرند. این واسطه‌های فتنه، اگرچه مستقیماً در دایره اصلی قدرت قرار ندارند، اما به دلیل تأثیرگذاری در سطوح مختلف اجتماعی، به اجرای سیاست‌های طاغوت کمک می‌کنند. این گروه‌ها شامل اوباش و مزدوران خیابانی، عوام فریب‌خورده، نخبگان بی‌بصیرت، و مزدوران فرهنگی و رسانه‌ای هستند که هر یک به شکلی در تحکیم نظام‌های

در قرآن کریم، درباره اصحاب کهف، تعبیر «قیام» به کار رفته است (کهف/ ۱۴). بر اساس این آیه شریفه، خداوند دل‌های اصحاب کهف را استوار ساخت؛ هنگامی که در برابر شرک و بت‌پرستی ایستادگی کردند و به پا خاستند.

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر سوره کهف بیان می‌کند که خداوند، خواب ۳۰۰ ساله اصحاب کهف را به دلیل ایستادگی‌شان «قیام لله» تعبیر کرده است. با اینکه آنان به غار رفتند و از جامعه فاصله گرفتند، این عمل به‌عنوان ایستادگی در راه خداوند شناخته شد. اما در قرآن، هیچ‌گاه در کنار نام احبار و رهبان با وجود موحد و یکتاپرست بودن آنان - تعبیر «قیام» به کار نرفته است.

این عدم استفاده از واژه قیام برای احبار و رهبان، به این دلیل است که آنان با وجود داشتن فکر توحیدی و یکتاپرستی، هیچ‌گونه اقدام و ایستادگی در برابر ظلم و شرک حکومت‌های زمان خود نداشتند. این افراد، زندگی راهبانه‌ای را برگزیدند و خود را از جامعه و مسئولیت‌های اجتماعی جدا کردند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: جلسه ۱۱/۶، تفسیر سوره کهف).

بر اساس قرآن کریم (آل عمران، ۱۴۲)، عبادت، تنها بخشی از وظایف بندگان است. جهاد، دفاع، و مبارزه نیز از مسئولیت‌های اساسی یک انسان موحد به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، اگر فردی این وظیفه مهم را نادیده بگیرد و تنها به عبادت فردی بپردازد، اهل بهشت نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۷: جلسه ۱۱/۱۲، تفسیر سوره کهف).

احبار و رهبان، با حذف عنصر مبارزه از دین، مسیر جامعه را منحرف کرده و با توجیحات خود، قداست‌ها را تضعیف می‌کنند و مسیر جامعه را از صراط مستقیم منحرف می‌سازند.

۲-۳-۴. احبار و رهبان با ابزار تحریف در خدمت طاغوت

تحریف احادیث و جعل روایت‌ها از سوی افرادی مانند سفیان ثوری، بخشی از جنگ نرم و رسانه‌ای علیه جبهه حق بوده است. این دست روایات نشان می‌دهد که در جنگ رسانه‌ای، دشمنان جبهه حق بیش از آنکه بر قدرت خود متکی باشند، بر نقاط ضعف جبهه حق

طاغوتی نقش دارند.

۱-۳. عوام فریب‌خورده و توده‌های دنباله‌رو: ابزار اجتماعی طاغوت
طاغوت برای استمرار سلطه خود، از توده‌های ناآگاه و دنباله‌رو به‌عنوان ابزار اجتماعی بهره می‌برد. این افراد یا بر اثر تبلیغات گمراه‌کننده دچار فریب شده‌اند، یا فاقد ثبات فکری‌اند و با هر موجی که در جامعه ایجاد شود، موضع خود را تغییر می‌دهند. برخی از آنان، هرچند ممکن است باسواد باشند، اما به دلیل ضعف در تحلیل و شناخت حقیقت، ناآگاهانه در مسیر طاغوت قرار می‌گیرند و به پیاده‌نظام تبلیغاتی او تبدیل می‌شوند.

حاکمان مستبد از رسانه‌های فریبکار، تحریف تاریخ، القای دشمنان خیالی و تحریک احساسات عمومی استفاده می‌کنند تا این گروه‌ها را در مسیر حمایت از خود هدایت کنند. آنان گاه در فتنه‌ها و آشوب‌ها مشارکت می‌کنند و گاه در برابر جریان‌های حق طلب موضع می‌گیرند، بی‌آنکه درکی عمیق از حقیقت داشته باشند.

در توصیف این گروه، امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ، وَمُتَعَلِّمٌ عَلَيَّ سَبِيلِ نَجَاةٍ، وَهَمَجٌ رِعَاعٌ، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ، يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ، وَلَمْ يَلْجِئُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيْقٍ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۷).

مردم سه دسته‌اند: ۱. دانشمند الهی، ۲. دانش‌پژوهی که در مسیر نجات است، ۳. همج رعاع که دنباله‌رو هر فریادگری هستند، با هر بادی حرکت می‌کنند، نه از نور دانش بهره گرفته‌اند و نه به تکیه‌گاه محکمی پناه برده‌اند.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در روایتی دیگر می‌فرماید: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷۲؛ اللیثی الواسطی، ۱۹۹۷: ۶۱؛ التمیمی الآمدی، ۱۹۸۹: ۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱/۲۱۹)، یعنی مردم نسبت به آنچه نمی‌دانند، دشمنی می‌ورزند. این حدیث نشان می‌دهد که بسیاری از عوام، تنها به دلیل ناآگاهی، تحت تأثیر تبلیغات طاغوتی قرار گرفته و در مسیر ظالمان گام برمی‌دارند.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (حفظه‌الله) نیز با اشاره به مفهوم روایت نخست، این گروه را افرادی بی‌ثبات، تابع

جو و فاقد بصیرت معرفی می‌کنند که با هر موجی حرکت می‌کنند، بدون آنکه از نور علم بهره‌مند باشند یا به حقیقتی مستحکم تکیه کنند. از نظر ایشان، محیط اسلامی، محیط علم و آگاهی است و جامعه‌ای که در آن دانش، تحقیق و بصیرت تقویت شود، کمتر در دام تبلیغات گمراه‌کننده طاغوت گرفتار خواهد شد. از این‌رو، شناخت حقیقت و ارتقای سطح فکری جامعه، اصلی‌ترین راه مقابله با سوءاستفاده طاغوت از توده‌های ناآگاه است (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۳/۰۷/۰۵).

۲-۳. اوباش و مزدوران خیابانی: ابزار آشوب و سرکوب در خدمت طاغوت

یکی از نمونه‌های سیاست آشوب و ایجاد ناامنی و ارباب در تاریخ، حملات فتنه‌گارات توسط سپاهیان معاویه در دوران حکومت امیرالمؤمنین علی (ع) بود. این حملات که بین سال‌های ۳۷ تا ۴۰ هجری رخ داد، با هدف ایجاد آشوب، کشتار، غارت، و تضعیف حکومت امام علی (ع) انجام شد. سپاهیان معاویه به‌صورت پراکنده و ناگهانی به مناطق مختلفی مانند مکه، مدینه، بصره، کوفه، یمن و مصر یورش می‌بردند تا علاوه بر ضربه نظامی، ترس و بی‌ثباتی اجتماعی ایجاد کنند. ابواسحاق ثقفی، مورخ شیعی قرن سوم هجری، فهرستی جامع از این حملات را در کتابی با عنوان «الغارات» گردآوری کرده است (برای مطالعه بیشتر درباره فتنه غارات، ثقفی، ۱۴۱۰).

این ناامنی گسترده، علاوه بر تخریب مناطق تحت حکومت امام (ع)، موجب بدبینی و پراکندگی برخی از یاران و طرفداران ایشان شد. برای نمونه، در کتاب الغارات آمده است که ابومریم، یکی از دوستان امام علی (ع)، پس از مشاهده این فتنه‌ها به نزد امام آمد و با ناراحتی گفت: «چرا کار این امت به اختلاف و تفرقه کشیده شد؟». امام (ع) در پاسخ فرمود: «من همان علی هستم که می‌شناسی، اما گرفتار خبیث‌ترین مردم روی زمین شده‌ام. آن‌ها را به حق فرا می‌خوانم، اما از من تبعیت نمی‌کنند؛ و اگر به میل آن‌ها رفتار کنم، مرا تنها می‌گذارند» (ثقفی، ۱۴۱۰: ۱/۴۴).

این حملات نشان‌دهنده سیاست همیشگی طاغوت در استفاده از اشرار و مزدوران برای ایجاد ناامنی، ترس، و

دشمنی‌های ساختگی، اشرار و اوباش را برای اجرای اهداف خود به کار می‌گیرد.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (حفظه‌الله) در خطبه‌های نماز جمعه ۸ مرداد ۱۳۷۸، با اشاره به یکی از مصادیق این روش، یعنی حادثه ۱۸ تیر، بیان کردند که دشمنان دچار اشتباه بزرگی شدند. آنان گمان می‌کردند که می‌توانند با سازماندهی ارادل و اوباش به عنوان نیروهای میدانی، کنترل اوضاع را در دست بگیرند و هیچ مقاومتی در برابرشان نخواهد بود. اما این تصور نادرست بود؛ چراکه این مزدوران بیشتر به منافع شخصی خود توجه داشتند و با ورود بسیج و مردم، همان‌گونه که حشرات به لانه‌هایشان بازمی‌گردند، از صحنه محو شدند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۰۵/۰۸).

۳-۳. نخبگان بی‌بصیرت: سکوتی در خدمت طاغوت

یکی از ابزارهای غیرمستقیم اما مؤثر در تثبیت قدرت طاغوت، نخبگان بی‌بصیرت هستند. این گروه شامل دانشمندان، سیاستمداران، و روشنفکرانی است که به دلیل ترس، مصلحت‌اندیشی، یا منافع شخصی، در برابر ظلم سکوت می‌کنند. برخی از آنان مستقیماً از طاغوت بهره‌مند می‌شوند، درحالی‌که برخی دیگر، از بیم تهدیدها و فشارهای اجتماعی، حقیقت را نادیده می‌گیرند.

طاغوت با تطمیع، تهدید، و ایجاد وابستگی‌های اقتصادی و فکری، این نخبگان را وادار به همراهی یا سکوت می‌کند. هرچند آنان لزوماً در مشروعیت‌بخشی ایدئولوژیک به طاغوت نقش ندارند، اما انفعالشان، به اندازه تأیید، به استمرار سلطه ظالمانه کمک می‌کند.

امام صادق (ع) درباره مسئولیت نخبگان در زمان فتنه می‌فرماید: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۴۵) «هرگاه بدعت‌ها در میان امت‌م آشکار شود، بر عالم است که دانش خود را آشکار کند، و اگر چنین نکند، لعنت خدا بر او باد».

این روایت، به‌روشنی نشان می‌دهد که سکوت نخبگان در برابر انحراف و ظلم، نه‌تنها خیانتی به حقیقت، بلکه هموار کردن مسیر استمرار طاغوت است. برخلاف احبار

تضعیف جبهه حق است، روشی که در طول تاریخ بارها تکرار شده است.

اشرار و اوباش که در برخی روایات از آن‌ها به «الغوغاء» تعبیر شده است، از ابزارهای اجتماعی مهم در نظام‌های طاغوتی است که برای تحریف افکار عمومی، ایجاد آشوب، و سرکوب مخالفان به کار گرفته می‌شود. امام هادی (ع) در روایتی آنان را قاتلان پیامبران معرفی کرده و می‌فرماید: «الغَوَّاءُ قَتَلُوا الْأَنْبِيَاءَ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۱۳؛ حلی، ۱۴۰۸: ۲۹۳، ۳۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۶۷/۱۱، ۱۷۵/۳۵۲، ۳۵۵).

این واژه در اصل به ملخ‌های جوانی اشاره دارد (جراد) که هنوز قادر به پرواز نیستند و حرکات نامنظم دارند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۵۷/۴؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۱۳۷۶/۶، ۲۴۵۰). به‌صورت استعاری، الغوغاء به گروه‌هایی از مردم اطلاق می‌شود که ناآگاه، بی‌نظم، و هیجان‌زده‌اند و رفتارهای آشوب‌گرانه و غیرمنطقی دارند (ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۲۴۴/۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۴۴/۸). این واژه همچنین به سر و صدای زیاد و ناآرامی‌های اجتماعی نیز اشاره دارد که نشان‌دهنده آشفتگی در رفتار و گفتار این افراد است (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۱۳۶۷/۳).

قرآن کریم به پدیده پیامبرکشی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بنی‌اسرائیل اشاره دارد: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (آل عمران: ۲۱؛ آل عمران: ۱۱۲).

فعل مضارع «يَقْتُلُونَ» در این آیات نشان‌دهنده استمرار پیامبرکشی در میان بنی‌اسرائیل است. بر اساس روایات، آنان در یک روز بیش از هفتاد پیامبر را به قتل رساندند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۲۰/۲؛ ابن‌نما حلی، ۱۴۰۶: ۴۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۶/۸-۱۱۷).

این جنایات غالباً نه مستقیماً به دست فرعون‌ها، بلکه به دست ملأ و به واسطه ابزارهای اجتماعی آن‌ها، از جمله ارادل، گردن‌کشان، و گروه‌های آشوب‌گر وابسته به طاغوت انجام می‌گرفت. ملأ، به‌عنوان یکی از اضلاع اصلی قدرت طاغوت، از نفوذ اجتماعی و سیاسی خود برای سازمان‌دهی و هدایت این گروه‌ها استفاده می‌کرد تا با سرکوب و آشوب، مسیر هدایت را سد کنند.

طاغوت با تطمیع مالی، وعده‌های اجتماعی، و تحریک

و رهبان که فعالانه در مشروعیت‌بخشی به طاغوت نقش دارند، نخبگان بی‌بصیرت، حتی بدون حمایت آشکار، با بی‌تفاوتی یا همراهی منفعلانه، زمینه‌ساز سلطه استبداد می‌شوند.

۳-۴. مزدوران فرهنگی و رسانه‌ای: مهندسان افکار عمومی در خدمت طاغوت

یکی از مؤثرترین ابزارهای طاغوت برای تثبیت قدرت، مهندسی افکار عمومی از طریق مزدوران فرهنگی و رسانه‌ای است. این گروه شامل نویسندگان درباری، تحلیل‌گران وابسته، رسانه‌های حکومتی، و شخصیت‌های تأثیرگذار فرهنگی است که با تحریف واقعیت، تطهیر چهره طاغوت، و تخریب جریان‌های عدالت‌خواهانه، افکار عمومی را به نفع حکومت‌های استبدادی شکل می‌دهند.

برخلاف مزدوران خیابانی که ابزار سرکوب فیزیکی‌اند، مزدوران رسانه‌ای و فرهنگی با جنگ روانی، سانسور، و دستکاری روایت‌های خبری، مشروعیت ظاهری طاغوت را تقویت می‌کنند. ادوارد هرمن و نوآم چامسکی در کتاب خود نشان می‌دهند که رسانه‌های جریان اصلی از طریق یک مدل پروپاگاندا، اطلاعات را فیلتر کرده و در چارچوبی بازتولید می‌کنند که از طریق اولویت‌بندی رویدادها، سرکوب اخبار مخالف، و برجسته‌سازی قربانیان بر اساس منافع قدرت‌ها، افکار عمومی را هدایت می‌کنند (Herman & Chomsky, 1988: 1-3, 37-40).

علاوه بر این، رسانه‌ها با برجسته‌سازی دموکراسی‌های انتخاباتی در دولت‌های وابسته به قدرت‌های غربی، مشروعیت آن‌ها را تثبیت کرده و از طرف دیگر، انتخابات در کشورهای غیرهمسو را تقلبی و غیرمشروع جلوه می‌دهند (همان). این دستکاری اطلاعات و معیارهای دوگانه، ابزار مؤثری برای مهندسی افکار عمومی و جلوگیری از به چالش کشیده شدن نظام‌های مستقر محسوب می‌شود.

ژاک الیول نیز در کتاب پروپاگاندا توضیح می‌دهد که رسانه‌ها، ابزارهایی برای القای پذیرش قدرت مسلط هستند که تفکر انتقادی را محدود کرده و از طریق انتخاب گزینشی اخبار و القای ترس، نگرش عمومی را شکل می‌دهند (Ellul, 1973: 5-45).

در تاریخ اسلام، بنی‌امیه و بنی‌عباس از ابزارهای رسانه‌ای سنتی مانند شعر، ادبیات و تاریخ‌نگاری برای مشروعیت‌بخشی به حکومت خود بهره بردند. معاویه از شاعرانی مانند اخطل نصرانی استفاده کرد تا چهره حکومت خود را تطهیر کرده و مخالفانش، به‌ویژه اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، را تخریب کند (ذهبی، ۱۹۹۳: ۱۶/۲۸۴). در دوره بنی‌عباس، شاعرانی مانند ابوتمام با ستایش خلفا، قدرت آنان را الهی جلوه داده و افکار عمومی را در راستای مشروعیت‌بخشی به خلافت هدایت کردند (مروء، بی‌تا: ۵-۴۵).

اما اهل‌بیت (ع) در برابر این تحریف رسانه‌ای، از ادبیات و شعر برای افشای ظلم حاکمان استفاده کردند. کمیت بن زید اسدی با سرودن هاشمیات، مظلومیت اهل‌بیت را آشکار کرد و سیاست‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس را به چالش کشید (ذهبی، ۱۹۹۳: ۸/۲۱۱-۲۱۳). این مقابله فرهنگی، نشان می‌دهد که در برابر سلطه رسانه‌ای طاغوت، روشننگری و آگاهی‌بخشی، اساسی‌ترین راه مقابله با تحریف حقیقت است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که طاغوت، در منظومه قرآن و در تحلیل‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، صرفاً به یک فرد مستبد یا حاکم ظالم اطلاق نمی‌شود، بلکه به یک نظام پیچیده و چندلایه از سلطه اطلاق می‌گردد که تنها در پرتو همکاری و هم‌افزایی گروه‌هایی خاص در جامعه تثبیت می‌شود.

بر اساس تحلیل‌های آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، تثبیت سلطه طاغوت، متکی بر همراهی و نقش‌آفرینی سه گروه اصلی است: ملأ، یعنی نخبگان سیاسی و اشرافی که با تکیه بر قدرت و نفوذ اجتماعی، مسیر هدایت را سد می‌کنند؛ مترفین، صاحبان ثروت و رفاه‌زدگانی که با ترویج فرهنگ لذت‌گرایی و اشرافیت، جامعه را از آرمان‌های الهی دور می‌سازند؛ و احبار و رهبان، عالمان دینی وابسته به طاغوت که که با تحریف آموزه‌های الهی، مشروعیت‌بخش حاکمان جور می‌شوند. این سه گروه، با ایفای نقش فعال در تحریف حقیقت، القای باطل و کنترل ذهنیت عمومی، عملاً به‌عنوان تسهیل‌کنندگان امر طاغوت عمل کرده و بستر تداوم سلطه او را در

-ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر- دار بیروت.

-ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق و تصحیح طنحی، محمود محمد/ زاوی، طاهر احمد، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. چاپ چهارم.

-ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح غفاری، علی اکبر، تهران: اسلامیه، چاپ دوم.

-ابن درید، محمدبن حسن (۱۹۸۸م)، جمهره اللغه، بیروت: دار العلم للملایین.

-ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر.

-ابن فارس، احمدبن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، تحقیق و تصحیح هارون، عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

-ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.

-ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ق)، مشیر الأحران، قم: مدرسه امام مهدی، چاپ سوم.

-بخاری، محمدبن اسماعیل (۱۳۸۱ق)، صحیح بخاری، بی‌نا.

-التمیمی الآمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۹۸۹م)، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم: دار الکتاب الإسلامی، چاپ دوم.

-ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

-ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۷۴ش)، الغارات، ترجمه آیتی، عبدالمحمد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

-جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تفسیر سوره کهف.

-جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تفسیر سوره کهف.

-شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، إثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، بیروت: اعلمی.

-جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح: تاج اللغه و صحاح العربیة، تحقیق و تصحیح عطار، احمد عبد الغفور، بیروت: دار العلم للملایین.

جامعه فراهم می‌سازند.

از منظر ایشان، تسلط طاغوت بدون پشتیبانی این گروه‌ها امکان‌پذیر نیست؛ زیرا آنان با نفوذ در لایه‌های فکری، اقتصادی، فرهنگی و دینی جامعه، زمینه‌ساز اطاعت مردم از نظام‌های غیرالهی می‌شوند. افزون بر این اضلاع اصلی، نقش گروه‌های واسطه‌ای همچون عوام فریب‌خورده، نخبگان بی‌بصیرت، اوباش مزدور و رسانه‌های وابسته، به‌ویژه در تحکیم فضای سرکوب و بی‌اعتمادی اجتماعی، در هندسه قدرت طاغوتی انکارناپذیر است.

دیدگاه مقام معظم رهبری در واقع بازخوانی روشمند و معاصر از گزاره‌های قرآنی درباره شناخت سازوکار سلطه طاغوتی است؛ بازخوانی‌ای که با تأکید بر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای، نشان می‌دهد چگونه ساختارهای قدرت طاغوتی در هر عصر با بهره‌گیری از نیروهای هم‌پیمان، به مقابله با جریان توحید و عدالت می‌پردازند و در فرآیند مهندسی افکار عمومی، تضعیف ایمان و تثبیت سلطه نقش‌آفرینی می‌کنند.

دستاورد اصلی این پژوهش، ارائه یک چارچوب تحلیلی از ساختار سلطه طاغوتی بر اساس گزاره‌های قرآنی و بازخوانی آن‌ها در اندیشه مقام معظم رهبری است؛ چارچوبی که نشان می‌دهد طاغوت تنها در هیئت فردی ظاهر نمی‌شود، بلکه با تکیه بر اضلاع تسهیل‌گر چون ملأ، مترفین و احبار و رهبان، و نیز با بهره‌گیری از واسطه‌های اجتماعی و رسانه‌ای، ساختاری پیچیده برای مقابله با توحید و عدالت در سطح جامعه ایجاد می‌کند. شناسایی این منظومه، پیش‌شرط تحقق تمدن توحیدی و جامعه عادلانه است.

منابع

منابع فارسی:

- قرآن کریم (۱۴۰۲ق)، با ترجمه هادیان رسانی، الهه، نشر مکین.

- نهج البلاغه.

-ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، تحقیق و تصحیح ابراهیم، محمد ابوالفضل. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، بیانات مقام معظم رهبری در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۸/۰۵/۰۸)، بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵/۱۰/۲۵)، بیانات مقام معظم رهبری در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶ش)، تفسیر سوره براءت، تهران: انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶ش)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم: صهبا، چاپ دهم.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷ش)، معیشت مومنان، تهران: انقلاب اسلامی، چاپ چهارم.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸ش)، نبوت‌ها در نهج‌البلاغه، تهران: انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- حلی، رضی‌الدین علی بن یوسف بن المطهر (برادر علامه حلی)، (۱۴۰۸ق)، العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، تحقیق و تصحیح رجائی، مهدی و مرعشی، محمود، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ذهبی، شمس‌الدین محمدبن أحمد (۱۹۹۳م)، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ دوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
- زبیدی، محمدبن محمد (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
- مرتضی زبیدی، محمدبن محمد (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق و تصحیح شیری، علی، بیروت: دارالفکر.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۰ش)، نثر طوبی، تهران: اسلامیه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۳ق)، تاریخ الطبری، بیروت: مؤسسه عزالدین.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح یزدی طباطبایی، فضل‌الله، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط- الحدیثه)، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل‌البت، قم: آل‌البت.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۴ق)، مجمع‌البحرین، قم: بنیاد بعثت.
- طوسی، محمدبن الحسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی، قم: دار الثقافة.
- طوسی، محمدبن الحسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه، تحقیق و تصحیح تهرانی، عبادالله و ناصح، علی احمد، قم: دار المعارف الإسلامیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب‌العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق)، القاموس المحیط، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۹ق)، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، رجال‌الکشی- اختیار معرفه الرجال، تحقیق و تصحیح طوسی، محمد بن الحسن و مصطفوی، حسن، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح غفاری، علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ چهارم.
- اللیثی الواسطی، علی بن محمد (۱۹۹۷م)، عیون الحکم‌والمواعظ، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- مروءه، محمد رضا (بی‌تا)، أبو تمام: عصره، حیات، شعره، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مصباح یزدی (۱۴۰۱ش)، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ پنجم.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، الأمالی، قم: کنگره

شیخ مفید.

-مهدوی‌راد، محمد علی، هادیان رسنانی، الهه (۱۳۹۹ش)، مقاله «بازشناسی مفهوم توسعه معنایی»، نشریه پژوهش دینی، ش ۴۰.
-یعقوبی، احمدبن اسحاق (بی‌تا)، تاریخ‌الیعقوبی، بیروت: دار صادر.

← منابع انگلیسی:

-Ellul, J. (۱۹۷۳). Propaganda: The formation of men's attitudes. Vintage Books. (Original work published ۱۹۶۵).
-Herman, E. S., & Chomsky, N. (۱۹۸۸). Manufacturing Consent: The Political Economy of the Mass Media. Pantheon Books.